

اول مه ۸۴ تحولی شکوهمند جلوه ای از ابراز وجود طبقه کارگر!



مظفر محمدی

به شدت در مقابل تعطیلی اول مه مقاومت میکنند و کارگران را تهدید میکنند که اگر به سر کار برنگردند اخراج و تنبیه میشوند. و به این ترتیب بخشی از کارگران را به زور به کارخانه برمیگردانند.

اول مه هر سال یکی از میدانهای مصاف کارگر و سرمایه دار و دولتش بخصوص در ایران است. در اینجا علیرغم این که رسماً روز کارگر تعطیل است. اما هم کارفرماها و هم دولت و سازمانهای دولتی درمیان کارگران مانند خانه کارگر و شوراهای اسلامی عملاً تلاش میکنند کارگران را از جشن و تعطیلی این روز باز دارند. بخش بزرگی از سرمایه داران خرد و درشت

بخشی دیگر را خانه کارگر از تهران و شهرستانها جمع میکند تا سیاست دولت و کارفرماها را زیر شعارهای پوچ و توخالی توجیه کند. خانه کارگر حتی اگر لازم باشد لباس "چپ" میپوشد و وانمود میکند زبان حال کارگر است. قطعنامه خانه

کارگر را نگاه کنی مهر این ریاکاری را بر خود دارد. اما در زیر این ریاکاری اهداف پلید ضدکارگری و نوکری سرمایه داران و دولت نهفته است. خانه کارگر امسال کارگران را برای این



به کارگران! فعالین کارگری و سوسیالیست!

کوروش مدرسی

koorosh@gmail.com

روزهای مه، لحظات با شکوه و هیجان انگیزی برای همه انسانهای جامعه ما و نشانه عروج طبقه کارگر به صحنه جدال سیاسی و طبقاتی و برای آزادی و برابری است!

روزهای مه ۸۴ تنها گوشه ای از نمایش قدرت و ابراز وجود طبقه ما و تنها بخشی از صدای عظیم میلیونی کارگر و تنها جزیی از کل آینده جامعه ایران بود. تنها روزنه ای است که به روی این غول سرنوشت ساز جامعه باز شده است. با به میدان آمدن کل این نیرو نه تنها شرایط غیرانسانی و فلاکتبار اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کنونی که به جامعه و طبقه ما تحمیل شده است خاتمه مییابد، بلکه درب دنیای بهتری را به روی کل جامعه میگشاید.

رفقا!
امسال فشار و تهدیدات پلیسی و جارو جنجال هفته ضدکارگری خانه کارگر، این عامل دولت- کارفرما، نتوانست بر صدای حق خواهی و آزادی خواهی کارگران در اول مه سایه بیندازد. در این رویارویی و صف بندی طبقاتی، اول مه کارگری و سوسیالیستی برنده شد. صدای کارگر امسال رساتر، روشن تر و رادیکال تر در جامعه ایران پیچید. پیام طبقه کارگر و نمایندگانش به جامعه، لغو استثمار انسان توسط انسان و پایان بی عدالتیها و ایجاد جامعه ای آزاد و برابر فارغ از رنگ و نژاد و ملیت و زبان و فرهنگ و مذهب بود.

اول مه امسال، صدای کارگر و پیام کارگر مرزهای کارخانه و جامعه و دانشگاه را در نوردید و در همه جا پیچید. همبستگی کارگر - دانشجو را عملی کرد، یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و برابری را گرمی داشت و با سرود انترناسیونال سمبل همبستگی بین المللی طبقه کارگر در هم آمیخت. (۸۴)

در خشش رادیکالیسم و سوسیالیسم

در اول مه

نگاهی ویژه به اول مه در عراق و فلسطین

جهانی- طبقاتی روشنی بیندازد. اکثر رسانه هایی که در این چند روز به اخبار اول مه پوشش دادند، از هر گرایشی، عموماً تاکید کردند که اول مه امسال در مقایسه با سالهای قبل کاراکتر رادیکالتری داشته است. پوشش نسبتاً کامل و متنوع اخبار اول مه ایران در رسانه های حکمتیستها و در سطوح خیلی وسیعتر، به من

بگذرد. اما باز ضروری میدانم به جنبه هایی اشاره بکنم. تنوع، تعدد و دامنه جغرافیایی برگزاری اول مه امسال ایران از تهران تا سندانج و خیلی جاهای دیگر به وضوح حاکی از گسترش کمی قابل توجه این حرکت طبقاتی بود، اما جنبه کیفی حرکت، اهمیت به مراتب بیشتری داشت. محتوای صفحه ۳



فاتح شیخ

مرور آنچه در صحنه های متنوع اول مه در سراسر جهان امکان نمایش یافت، میتوانست بر جنبه های جالب و جدیدی از این حرکت

بساط "انتخابات" را روی سرشان خراب کنید!

حسین مرادیگی (حمه سور)

تحمیل خفقان و سرکوب و کشتار به مردم کردستان ایران سهیم بوده اند و اکنون تحت نام مسخره "اصلاح طلبان کرد" جمع شده اند، جمهوری اسلامی را در گرداندن این کمپین ارتجاعی علیه مردم کردستان یاری میدهند. مردم کردستان اینها را خوب می شناسند، گردانندگان این مضحکه

مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی مانند دیگر نقاط ایران در کردستان ایران نیز اعلام شده است. همراه آن یک عده از مزدوران و ماموران اطلاعاتی جمهوری اسلامی کسانی که در



اسلامی در کردستان ایران جزو کسانی هستند که باید همراه سران و ایادی جنایتکار جمهوری اسلامی دستگیر و محاکمه و مجازات شوند. در مورد خود صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

دفاع کند نمیتوانست و نمیتواند تا ابد تدافعی بماند و به میدان نیاید.

هم اکنون جنبش کارگری دوره گذار از دفاع به تعرض را میگذراند. آیا در این گذار چقدر موفق میشود و با این پروسه چقدر طولانی یا سریع است این را باید دید و به فاکتورهای متعددی بستگی دارد. این اتفاقی نیست که خود بخود بیفتد. اتفاقی که در جنبش کارگری افتاده و یا در شرف وقوع است من هنوز آن را شیخ کارگر بر فراز سر سرمایه داری و دولتش در ایران و صدای کارگر و تهدید کارگرمینامه. این تصویر و افقی امیدوار کننده است اما

این ها نمونه ها و طلیعه امیدوار کننده ای هستند. اینکه چه جامعه این بار در قامت کارگر و به زبان کارگر به میدان می آید اینکه فعالین کارگری به استقبال که طبقه کارگر به صحنه جدالهای سیاسی و طبقاتی در جامعه متلاطم و بحران زده ایران عروج کرده است؟ نمیتوان با جرات گفت چنین اتفاقی افتاده است. اما بدون شک اول مه امسال و تحرکات جنبش کارگری سالهای اخیر نمونه هایی از یک تحول اجتماعی و تدارک حضور کارگران بمثابه طبقه، نه آحاد در این صحنه است.

این ها نمونه ها و طلیعه امیدوار کننده ای هستند. اینکه چه جامعه این بار در قامت کارگر و به زبان کارگر به میدان می آید اینکه فعالین کارگری به استقبال

این سد محکم سرمایه و زور، شکسته شده و چیزی عاید کارگر میشود. این وقت تلف کردن و در واقع تسلیم به شرایط موجود است.

شکی نیست مبارزات اقتصادی و مطالباتی پراکنده و جدا از هم را باید سازمان داد و هدایت کرد و حمایت کرد و یک خواست ولو کوچک را به کرسی نشاند، اما همین یکدوره دستاورد فردای همانروز باز پس گرفته میشود اگر جنبش کارگری یکپارچه و سراسری به دانش نرسد. باید این جنبش سراسری و قدرتمند را سازمان داد، باید کارگران را دارای تشکلهای محل کار و نمایندگیهای سراسری کرد. من قبلا هم گفتم که دعوی درون این شبکه ها جای واقعیت نیست. صورت مساله هر چه هست باشد. گرایشات چپ و راست و چپکی و فرقه ای و یا سازشکارانه و غیره وجود دارند و کسی نمیتواند منکر آن شود. اما جدال این گرایشات سر جای واقعی خودش نیست.

به نظر من باید بدو این مواج بر سر راه حذف شوند تا جنبش کارگری به آنجایی برسد که طلیعه هایش را میبینیم و ظرفیت و آمادگی را میشناسیم. و الا اعتراض و مبارزه کارگر همیشه بوده و هست و متوقف نمیشود. اما اگر اتفاقات مهمی نیفتند این کشمکشها دردناک و کم تاثیر و کم نتیجه خواهند بود.

در میان اتفاقات مهمی که در طبقه کارگر باید بیفتد من به دو مورد آنها اشاره میکنم:

۱- کارگر بی صاحب و بی رهبر نیست. اما صاحبان و رهبران کارگران شقه شقه شده و یا اسیر توهمات و گرایشات بازدارنده از "چپ" و راست اند. فعالین و رهبران واقعی کارگران باید یخه خود را از این عوامل بازدارنده رها کنند. و یا به میدان بگذارند. توپ در میدان کارگران است. باید اول میدان را از حریف که خانه کارگر است گرفت.

۲- شناختن ضرورتها و خصوصیات هر دوره مبارزات اجتماعی و شرایط اقتصادی،

فلاکتبار کنونی هم هست. بعید است کارگران بخشهای جداگانه و فابریکها و محلهای کار جداگانه بتوانند جدا از هم یخه خود را از این مصیبت و فلاکتی که به آنها تحمیل شده خلاص کنند. بعید و شاید غیرممکن است کارگران هر کازانه و کارخانه جداگانه قراردادهای موقت کار را لغو کنند و بعید و غیر ممکن است که هر بخش کارگری بتواند جداگانه دستمزدهایش را به نسبت نیازها و تورم افزایش دهد. و بطور کلی بعید است گشایشی جدی در شرایط کار و زندگی کارگران بطور جداگانه بوجود آید. سرنوشت طبقه کارگر حتی



این هنوز با حضور میلیونی کارگر در صحنه فاصله دارد. کارگران متحد و متشکل در مجامع عمومی و شوراهای سندیکاهایش فاصله دارد. با شبکه وسیع فعالین کارگری با نقشه و عملکرد روشن و متحد کننده در صف جلو مبارزات کارگری بخصوص در صنایع بزرگ فاصله دارد. موانعی که در اول مه امسال هم عمل کردند و تداوم سنتهای پیشین بیرون و درون طبق کارگر اند کم نیستند. من در مطلبی تحت عنوان هفته کارگر، یک کمپین ضد کارگری، به تفصیل به این موانع پرداخته ام و راه برون رفت را گفته ام. اگر بخواهم خلاصه یگویم

این هنوز با حضور میلیونی کارگر در صحنه فاصله دارد. کارگران متحد و متشکل در مجامع عمومی و شوراهای سندیکاهایش فاصله دارد. با شبکه وسیع فعالین کارگری با نقشه و عملکرد روشن و متحد کننده در صف جلو مبارزات کارگری بخصوص در صنایع بزرگ فاصله دارد. موانعی که در اول مه امسال هم عمل کردند و تداوم سنتهای پیشین بیرون و درون طبق کارگر اند کم نیستند. من در مطلبی تحت عنوان هفته کارگر، یک کمپین ضد کارگری، به تفصیل به این موانع پرداخته ام و راه برون رفت را گفته ام. اگر بخواهم خلاصه یگویم

این شرایط میروند. فراخوانها، بیانیه ها و سخنرانیها و قطعنامه های کارگری با محتوای ضد استبدادی و ضد سرمایه داری و سوسیالیستی.

اینکه فعالین و رهبران جنبشهای اجتماعی دستشان را به هم میدهند و به استقبال همدیگر میروند و به حمایت میپردازند... پرده های شکوهمندی از یک پیامد و افق خوشبین و امیدوار کننده است. مسلم است که اول مه امسال یک اتفاق ناگهانی و غافلگیر کننده نبود. این اتفاق بخشی از در تداوم یک جنبش اجتماعی و صف بندی طبقاتی کارگر و سرمایه دار و دولت و اعوان و انصار آن در سالهای اخیر است. جنبش کارگری که در حالت تدافعی سختی قرار داشته است و مجبور شده است با چنگ و دندان از نان سفره امروز

این شرایط میروند. فراخوانها، بیانیه ها و سخنرانیها و قطعنامه های کارگری با محتوای ضد استبدادی و ضد سرمایه داری و سوسیالیستی.

میخواست جمع کند که رفسنجانی را قالب کند و برایش اعتبار و رای بخرد. اما این هدف خود نرسید و رسواتر شد. این یک طرف قضیه کشمکش طبقاتی است. در طرف مقابل غول طبقه کارگر خفته است که شرایط فلاکتبار و اختناق و سرکوب وحشیانه ای را به او تحمیل کرده اند. اول مه امسال فعالین و نمایندگان در میان این طبقه به اسارت و بردگی کشیده شده، صدای کارگر و تهدید کارگر را نمایندگی کردند و به جامعه رساندند. اعلام کردند که استثمار انسان توسط انسان محکوم و مردود است، بی عدالتیها و نابرابری باید پایان پذیرد. انسان به خاطر انسانیتش محترم است. تفرقه قومی و بر اساس نژاد و زبان و مذهب و فرهنگ مذموم و محکوم است.

از هر گوشه و حرکت اول مه امسال نشانه های آزادیخواهی و برابری طلبی و همبستگی انسانی فارغ از مرز و کشور مشاهده شد. اول مه امسال به این معنا جلوه ای از بیان سوسیالیسم و افق برابری طلبی پیشروی جامعه بود. اول مه امسال

نمایندگانی از طبقه کارگر کل جامعه را خطاب قرار داده و اعلام کردند که رهایی جامعه درگرو رهایی کارگر و حذف استثمار و بردگی مزدی است. بر همسرنوشتی و همبستگی مبارزاتی و حقخواهی کارگر و جوان و معلم و پرستار تاکید شد. بر این اساس میتوان گفت طبقه کارگر میتواند و میروند ستون فقرات جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران شود. حضور نمایندگان از طبقه کارگر در دانشگاه تهران و در میان تشکلهای و محافل دانشجویی و دعوت و استقبال دانشگاه از این حضور، از طرفی نشانه رشد و وسعت نظر و افق جنبش چپ دانشجویی و از طرف دیگر نشانه وزن اجتماعی و قدرت تعیین کننده طبقه کارگر در مبارزه برای آزادی و حرمت اجتماعی همه انسانهای جامعه است.

از هر گوشه و حرکت اول مه امسال نشانه های آزادیخواهی و برابری طلبی و همبستگی انسانی فارغ از مرز و کشور مشاهده شد. اول مه امسال به این معنا جلوه ای از بیان سوسیالیسم و افق برابری طلبی پیشروی جامعه بود. اول مه امسال

نمایندگانی از طبقه کارگر کل جامعه را خطاب قرار داده و اعلام کردند که رهایی جامعه درگرو رهایی کارگر و حذف استثمار و بردگی مزدی است. بر همسرنوشتی و همبستگی مبارزاتی و حقخواهی کارگر و جوان و معلم و پرستار تاکید شد. بر این اساس میتوان گفت طبقه کارگر میتواند و میروند ستون فقرات جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران شود. حضور نمایندگان از طبقه کارگر در دانشگاه تهران و در میان تشکلهای و محافل دانشجویی و دعوت و استقبال دانشگاه از این حضور، از طرفی نشانه رشد و وسعت نظر و افق جنبش چپ دانشجویی و از طرف دیگر نشانه وزن اجتماعی و قدرت تعیین کننده طبقه کارگر در مبارزه برای آزادی و حرمت اجتماعی همه انسانهای جامعه است.

از هر گوشه و حرکت اول مه امسال نشانه های آزادیخواهی و برابری طلبی و همبستگی انسانی فارغ از مرز و کشور مشاهده شد. اول مه امسال به این معنا جلوه ای از بیان سوسیالیسم و افق برابری طلبی پیشروی جامعه بود. اول مه امسال

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید

از صفحه ۱

روشن سوسیالیستی و رادیکال قطعنامه ها که هم حاوی ادعای طبقه کارگر علیه سرمایه و هم دربرگیرنده اساسی ترین مطالبات اقتصادی و همچنین سیاسی بخش پیشرو طبقه کارگر در ایران بود، این حقیقت را برجسته کرد که امروز حرکت سوسیالیستی کارگری در ایران، در مقایسه با هر نقطه دیگری از جهان، گام بلندی جلوتر است. درخشش رادیکالیسم و سوسیالیسم که مشخصه اول مه امسال بود در ایران جلوه های روشن تری داشت. این واقعیت که به یاری حضور سیاسی جنبش کمونیستی کارگری و جنبش حزبی حکمیتیستی امکان تحقق یافته، در عین حال وظیفه تاریخی مهمی بر دوش فعالین، رهبران و پیشروان سوسیالیست طبقه کارگر و بویژه نوک پیکان حزبی آن میگذارد. یک لحظه غفلت از این وظیفه مجاز نیست.

در عراق و فلسطین

با این اشاره کوتاه و ضروری، میرسم به ضرورت نگاه ویژه ای به دو حرکت اول مه امسال در عراق و فلسطین. روشن است که تظاهرات بزرگ صدها هزار نفری و حتی میلیونی از ژاپن تا برزیل و روسیه و اروپا و آمریکای لاتین، تصویر جدیدی هم از گسترش کمی قابل توجه و هم از رشد رادیکالیسم کارگری در اول مه امسال دادند، اما آنچه در عراق و فلسطین اتفاق افتاد به رغم محدودیت دامنه، نشانه شروع شکلگیری صف مستقل کارگری در یک منطقه مهم و حساس جهان

است که جنبش طبقه کارگر در آن تاریخ و برای دورانی طولانی اسیر هژمونی ناسیونالیسم بوده و نتوانسته راه پیشروی اش را باز کند.

در عراق در دو تظاهرات و راهپیمایی صدها نفری در مرکز بغداد و خیابانهای بصره (دومین شهر عراق) که توسط "فدراسیون شوراهای اتحادیه های کارگری عراق" سازمان داده شده بود، باندرولهای، شعارها و سخنرانیهایی همه بر استقلال طبقه کارگر در عراق و ضرورت حضور و دخالتگری فعال آن در سیاست پرتحول جامعه تاکید میگردند.

آمریکا و تحرکات دارودسته های اسلامی را صریح و روشن اعلام کردند. همین طیف سرشناس از رهبران کمونیست کارگران در بصره در نوامبر سال گذشته "کنگره شوراهای و اتحادیه های کارگری منطقه بصره" را برگزار کردند. در ۶ آوریل امسال نیز همین تشکل کارگری در بغداد "کنگره سراسری شوراهای و اتحادیه های کارگری عراق" را در سالن بزرگ هتل فلسطین میریدیان برگزار کرد. با یادآوری این حقیقت که قدرت طبقه کارگر در تشکل اوست باید تاکید کنم که وجه مهم برگزاری تظاهرات و



سخنرانان تظاهرات بغداد، فلاح علوان و فالح مکتوب از رهبران شناخته شده جنبش شورائی کارگران در عراق و از اعضای رهبری حزب کمونیست کارگری عراق بودند. در بصره هم کادرها و اعضای رهبری حزب کمونیست کارگری عراق در راس و رهبری تظاهرات و راهپیمایی اول مه بودند و عزم راسخ طبقه کارگر برای ایستادگی در برابر اشغالگری

این جامعه ویران شده و پرتحول را بخوبی ایفاء میکند. فلاح علوان مسئول این تشکل تا کنون در سفرهای زیادی به کشورهای مختلف از ژاپن و کره جنوبی تا انگلیس و فرانسه و ایتالیا و سوئیس و... توانسته است حرف و صدای صف مستقل کارگران در عراق را به گوش سازمانهای کارگری و افکار عمومی جهان در سطح وسیعی برساند. در فلسطین تظاهرات اول مه امسال دوربین های بسیاری از تلویزیونهای جهان را به خود متوجه کرد. ویژگی این حرکت علاوه بر وسعت که سالها بود به حاشیه رانده شده بود یک بار دیگر در اول مه امسال در شکل رادیکالتر و مستقل تری بر صحنه ظاهر شد. این میتواند سرآغاز حرکت مستقل کارگران در این بخش فلاکت زده و بحرانیافته خاورمیانه باشد.

برای حرکت کمونیسم کارگری و حکمیتیسم در ایران و عراق، اول مه امسال در ایران و عراق و همچنین در فلسطین میتواند در عین دادن احساس زیبایی شروع فاز جدیدی از حرکت طبقاتی، یادآور وظایف خطیری در ایفاء نقش کمونیسم در این منطقه مهم جهان باشد که، همچنانکه

بارها از زبان منصور حکمت شنیده ایم، میتواند سرآغاز احیاء کمونیسم در مراکز پیشرفته جهان باشد. یک پیام اول مه امسال به ما حکمیتیست های ایران و عراق اینست که: باید به استقبال این وظایف خطیر شتافت!

تلویزیون پرتو

برنامه های پرتو روزهای چهارشنبه ساعت ۷.۳۰ تا ۸.۳۰ شب به وقت تهران (۵ تا ۶ بعدازظهر به وقت اروپای مرکزی و ۸ تا ۹ صبح به وقت آمریکای غربی) از شبکه کانال یک روی ماهواره تکه استار ۱۲ پخش میشود. این برنامه پنجشنبه ها ساعت ۷.۳۰ تا ۸.۳۰ صبح تهران مجدداً پخش میشود.

برنامه پرتو را روی سایت آن نیز قابل مشاهده است: <http://www.hekmatist.com/parto/>

به سازمان جوانان کمونیست - حکمیتیست به پیوندید!

از صفحه ۱

این مضحکه نیز مردم ایران میدانند که این "انتخابات" با هیچ معیاری انتخابات نیست، این یک معرکه گیری اسلامی است که هر چند سال یک بار تکرار میشود، کمیونی است ارتجاعی که در متن تحقیر و ستم و استثمار و بی حقوقی مردم ایران انجام میگیرد. گذاشتن نام انتخابات بر این مضحکه اسلامی که در آن هر بار یک مسلمان متحجر امتحان پس داده حکومت اسلامی را از صندوقهای رای در میاورند، توهین به حرمت و کرامت و شخصیت انسانهای آزادیخواه این جامعه است.

مردم کردستان ایران انتخاباتی ندارند. صحبت کردن از انتخابات جمهوری اسلامی در کردستان ایران اصلا بی معنی است. انتخابات ما بعد از قیام و سرنگونی جمهوری اسلامی است. مردم حکم رفتن جمهوری اسلامی را داده اند. جمهوری اسلامی باید برود. اجازه بدهید جمهوری اسلامی را بیاندازیم، آنوقت مردم امکان پیدا میکنند که انتخابات آزاد خود را برگزار کنند و کاندیداها و نمایندگان واقعی خود را نیز به جامعه معرفی کنند. در پیشاپیش اینها در کردستان

ایران آنوقت صفی از چهره ها و شخصیتها و رهبران کمونیست را خواهید دید که مردم کردستان آنها را بعنوان نمایندگان واقعی خود معرفی میکنند، کسانی که مردم کردستان بارها و در موارد متعددی پوسترها و عکس های آنان را بر در و دیوار شهرها زده اند، کسانی در جریان مبارزه شبانه روزی ۲۶ سال گذشته مردم کردستان علیه جمهوری اسلامی در تند پیچها و لحظات حساس آن، در خوشی ها و شادیها و درد و رنج این مردم شریک بوده و در کنارشان و در پیشاپیش آنها بوده اند. این انتخابات نیست، این مضحکه را باید روی سر جمهوری اسلامی و ایادی آن در کردستان ایران خراب کرد. مردم کردستان ایران اجازه نمیدهند یک عده مزدور جمهوری اسلامی که دارند برای رژیمشان عمر میخرند بیایند کمپین ارتجاعی خود را علیه این مردم راه بیاندازند. مردم اینها را فراری میدهند. قبل از اینکه مردم کردستان بروند سراغشان اینها بهتر است هرچه زودتر بساط تحقیر و توهینشان را جمع کنند و گورشان را گم کنند. مردم کردستان مدتهاست "نه" خود را به کلیت جمهوری

اسلامی داده اند. "نه" مردم کردستان به انتخابات جمهوری "نه" به جمهوری اسلامی است، "نه" به این مزدوران و به هر فرد و هر جریانی است که این مضحکه را برای جمهوری اسلامی میگرداند و یا با آن میخواهد زیر بغل جمهوری اسلامی را بگیرد. عوام فریبی برای یک آخوند حقه بازی که ۷ - ۸ سال تمام برای جمهوری اسلامی وقت خرید کم نبود حالا یک عده مزدور و مامور اطلاعاتی جمهوری اسلامی آمده اند تحت نام "سنی گری" و "گردایه تی" برای رژیم یک عده آخوند جنایتکار حرفه ای و یک عده از ایادی همین دستگاه کشتار و جنایت یک کمپین ارتجاعی راه انداخته اند. باید بساط مضحکه و معرکه گیری اسلامی را سر جمهوری اسلامی و این مزدورانش خراب کرد. سیاست ما در کردستان ایران ایدا بر سر تحریم و انفعال نیست. مردم شهرهای کردستان ایران باید در مقابل هر نیرو و جریان و مزدور عوامفریبی که خواهد مردم را در تعرض به جمهوری اسلامی ساکت نگهدارد بایستند. باید عرصه را بر گردانندگان ستادهای مضحکه اسلامی در کردستان

تنگ کنند طوری که جرات نکنند در میان مردم آفتابی شوند. نه تنها در روز انتخابات که باید از هم اکنون این پروژه را به تعرضی علیه جمهوری اسلامی تبدیل کرد. هرچا این مزدوران جلسه گذاشتند اگر بتوان وارد جلسات آنان شد باید آن جلسات را به محل اعلام کيفرخواست علیه خود آنها تبدیل کرد. گردانندگان ستادهای انتخابات جمهوری اسلامی مزدوران جمهوری اسلامی اند، کسانی هستند که در جریان قتلهای زنجیره ای و در ترور و ارباب انقلابیون و کمونیستها و دیگر مردم آزادیخواه کردستان ایران دست داشته اند، از جمله دست پرورده های سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، بچه های قدیم سپاه و اطلاعات جمهوری اسلامی، اند و در ادامه ماموریت خود جمهوری اسلامی را در پیشبرد این مضحکه یاری میدهند. باید بساطشان را جمع کرد. صف چپ و رادیکال و آزادیخواه جامعه کردستان ایران باید به جان اینها بیفتند. ستادهای انتخاباتی آنها را برچینید. کاری کنید که جرات نکنند ستادهای انتخاباتیشان را پهن کنند، کاری کنید که

مسئولین ستادهای این کمپین ارتجاعی کارشان را ول کنند و بروند. اجازه ندهید کاندیداها و نمایندگان اینها جز در مراکز رژیم اسلامی در میان مردم ظاهر شوند. پوستره های انتخاباتی آنها را پاره کنید، شهرها را از شعارهای "نه" به انتخابات جمهوری اسلامی و "نه" به جمهوری اسلامی پر کنید.

روز رای گیری این مضحکه، در محل صندوقهای رای و یا اماکن عمومی و جاهایی که امکان هست اعتراض علیه جمهوری اسلامی را سازمان دهید تا مجبور شوند صندوقهای رای را برچینند. روز انتخابات را به روز اعتراض سراسری مردم شهرهای کردستان ایران علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنید. نباید اجازه داد این مزدوران بساط تحقیر و توهینشان را پهن کنند. باید بساطشان را جمع کرد. همین جا یکبار دیگر مردم آزادیخواه و برابری طلب کردستان ایران را برای پیشبرد این حرکت و جمع کردن بساط مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی در کردستان ایران فرامیخوانم.

از صفحه ۲

سیاسی و اجتماعی برای انتخاب روشهای درست تعیین کننده است. سیاست، تاکتیک و روشهای چپ و راست و درست یا غلط را در این چارچوب و با این افق و در متن جامعه و ابعاد اجتماعی وسیع میتوان محک زد، نه در چارچوب تنگ و در درون این یا آن محفل و یا فرقه در حاشیه جامعه.

این عدم درک و نشناختن شرایط موجود باعث شده و میشود که کسانی نتوانند فکر کنند و درک کنند که جامعه بحران زده و یک حاکمیت استبدادی و یک هرج و مرج واقعی در اقتصاد و سیاست، جامعه و مردم اعم از کارگر و غیر کارگر را به لبه

پرتگاه یک سناریوی سیاه میکشاند. علایم و آثار و عواقب این اوضاع را نبینند که از مدتها قبل و تا کنون دامن طبقه کارگر و میلیونها زحمتکش را گرفته و به ورطه فلاکت و گرسنگی و زیر خط فقر کشانده است... تنها در متن چنین واقعیاتی است که جدال واقعی گرایشات سر جای خود قرار میگیرند. آنوقت است گوش کارگر برای شنیدن افکار و راهکارهای گوناگون باز میشود و انتخاب میکند. وگرنه هیچ تز مشعشعی به تنهایی و در خارج از این شرایط و واقعیات کارساز و راهگشا نیست

اول مه امسال مهر این شرایط را برخورد داشته و دارد. مهر کشمکشهای بر سر این و آن

بند قطعنامه، مهر تفرقه اندازی بخش ولو کوچکی از فعالین و مدعیان اتحاد کارگری، مهر سازش و رفتن به مراسم خانه کارگر و مهر ایستادن و پافشاری بر سر اینکه روز جشن کارگری منتظر اجازه کسی نیست و رفقا و عزیزان!

در محاصره پلیس هم میشود در شهر راه افتاد و پیام کارگر را به مردم رساند.

اول مه امسال صدای کارگر در جامعه و در دانشگاه و در خیابان پیچید. کارگران زن و مرد در خیابان رژه رفتند. دختران جوان با پلاکادهای قرمز در جلو صف راهپیماییها ایستادند. در سالنهای بزرگ از تهران تا سنجندج و ... کارگران سرود انترناسیونال را دستجمعی خواندند.

تحمیل شده است خاتمه مییابد، بلکه در دنیای بهتری را به روی کل جامعه میگذارد.

**کمونیست
را تکیه
و پخش
کنید!**

مرگ بر جمهوری اسلامی - زنده باد جمهوری سوسیالیستی!